

مهمترین نقطه افتراق تفکر شیعی و تفکر سنی (۲)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث دیروز ما در رابطه با تقیه به اینجا منتهی شد که این افراد، تقیه شیعه را به عنوان نفاق و خلاف کتاب و سنت تلقی می‌کنند. ما در جلسات گذشته با استفاده از آیات قرآن کریم مشروعیت تقیه را ثابت کردیم، و همچنین از سنت پیغمبر اکرم و صحابه، مشروعیت تقیه را ثابت کردیم.

ما مقدمات بحثی را آوردیم که بعضی از دوستان خیلی اصرار داشتند که به صورت عمیق بحث شود. دیروز عرض شد تفاوت نگاه شیعه و اهل سنت و عمده میز میان این دو تفکر، روی اهل بیت (علیهم السلام) و صحابه هست.

اگر ما در بحث‌های خود روی این قضیه تمرکز کنیم که بحث «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي» جا بیفتد و «کتاب الله و اصحابی» از دور خارج شود؛ اگر این قضیه باشد، تمام اختلافات شیعه و سنی حل خواهد شد. چرا که تمام مسائل به این نگاه خلاف قرآن کریم و خلاف سنت و خلاف سیره خود صحابه برمی‌گردد! یعنی اینکه بیائیم بگوئیم «کتاب الله و اصحابی»!!

ما دیروز عرض کردیم این آقایان در کنار سنت رسول اکرم بحثی دارند به نام «سنت صحابه» که به صراحت می‌گویند:

«سنة الصحابة -رضى الله عنهم- سنة يعمل عليها ويرجع إليها، ومن الدليل على ذلك أمور»

سنت صحابه چیزی است که ما به او عمل می‌کنیم و در استنباط شرعی به او مراجعه می‌کنیم.

الموافقات، المؤلف: إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطي الشهير بالشاطبي (المتوفى: ٧٩٠ هـ)، المحقق:

أبو عبدة مشهور بن حسن آل سلمان، الناشر: دار ابن عفان، الطبعة: الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ / ١٩٩٧ م، ج ٤، ص

٤٤٤

این مطلب را «امام شاطبی» متوفای ٧٩٠ هجری که از فقها و اصولین بنام اهل سنت است، بیان کرده است.

آقای «ملاً علی قاری» هم که از علمای بزرگ «احناف» است می‌گوید:

«سنة الصحابة ومن تبعهم»

شرح مسند أبي حنيفة، اسم المؤلف: الملا علی القاری، علی بن سلطان محمد (المتوفى: ١٠١٤ هـ)، ج ١، ص ٢٠١،

حدیث زیارة قبر النبی صلی الله علیه وسلم

ما دیروز مفصلاً عرض کردیم که این افراد در کنار سنت النبی، مورد دیگری به نام «سنة الصحابه» مطرح کرده

اند. ولی آیا سنت اهلبیت (علیهم السلام) را هم دارند یا ندارند، مطرح نیست!

تفاوت عجیب میان امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و «ابوهریره»!

ما اهلبیت (علیهم السلام) را هم خدمت آقایان پیشکش می‌دهیم و می‌گوییم: آیا امیرالمؤمنین علی (علیه

السلام) جزو صحابه هست یا نیست؟! شما در کتب فقهی و اصولی و تاریخی و تفسیری خودتان چقدر به

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بها دادید؟!

بفرمایید از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در «صحاح» چقدر روایت دارید و از افرادی مانند «ابوهریره» چقدر

روایت دارید؟! این مطلب را برای ما بیان کنید تا قضیه روشن شود. ما با هم دعوا که نداریم و بحث هم بحث

علمی است.

«بخاری» از امیرالمؤمنین مجموعاً ۲۹ روایت نقل کرده است! شما به مقدمه کتاب «فتح الباری شرح صحیح بخاری» اثر «ابن حجر عسقلانی» متوفای ۸۵۲ مراجعه کنید.

او از صفحه ۴۷۰ به بعد تمام صحابه‌ای را که در «صحیح بخاری» روایت دارند، به ترتیب حروف الفبا آورده است. زمانی که در «ع» به نام امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌رسد، می‌گوید: بخاری در مجموع از علی ۲۹ روایت دارد!! ولی به «ابوهریره» که می‌رسد می‌گوید: حدود ۲۴۶ یا ۲۴۷ روایت وجود دارد!!

آقای «ابن حزم» کتابی دارد که آمار تمام روایات صحابه را بیان کرده است. به عنوان مثال او بیان می‌کند که از «ابن عباس» حدود ۲۸۰۰ روایت وارد شده است. از «عایشه» حدود ۲۲۰۰ روایت نقل شده است.

وی زمانی که به «ابوهریره» می‌رسد، می‌گوید: ما در جوامع روایی ۵۷۰۰ روایت از «ابوهریره» داریم. ولی از امیرالمؤمنین ۵۷۰ روایت داریم. یعنی تعداد روایاتی که از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نقل شده است، یک دهم روایاتی است که از «ابوهریره» نقل شده است!

ما بارها گفتیم که «محمود ابوریه» از علمای بزرگ دانشگاه الأزهر مصر است، ایشان می‌گوید: «ابوهریره» بعد از فتح خیبر در سال ششم هجری مسلمان شده است. او هجده ماه در مدینه در خدمت پیغمبر اکرم بود و بعد از هجده ماه هم از طرف پیغمبر اکرم به بحرین رفت و بعد از وفات پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به مدینه بازگشت. او تنها ۱۸ ماه با پیغمبر اکرم بوده است و از او ۵۷۰۰ روایت نقل شده است!!

امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از ابتدای طفولیت تا آخرین لحظه عمر نبی گرامی اسلام با آن بزرگوار بوده است و در تمام سفرها به غیر از جنگ تبوک با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است.

آن بزرگوار هر صبح و شام با پیغمبر اکرم دیدار داشته است ولی در مجموع ۵۷۰ روایت از آن بزرگوار نقل شده است! اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) روزی یک روایت هم از پیغمبر اکرم شنیده باشد، ما باید دوازده هزار روایت از امیرالمؤمنین داشته باشیم!!

ما سنت صحابه را قبول کردیم. اهل بیت (علیهم السلام) را هم کنار گذاشتیم و دور آن بزرگواران را خط کشیدیم. ولی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ، امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) از صحابه هستند. شما بفرمایید ببینم طبق سنت الصحابه از امیرالمؤمنین چقدر روایت داریم؟! امیرالمؤمنین هم از صحابه هستند!

تفاوت عجیب میان حضرت زهرا(سلام الله علیها) و «عایشه»!

شما بفرمایید که از «ابوهریره» و عایشه چقدر روایت داریم و از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) چقدر روایت داریم!! حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هم صحابی هستند!

در مجموع کتب روایی اهل سنت از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) طبق آماری که «ابن حزم أندلسی» در کتابش با نام «اسماء الصحابه و ما روی عنهم من الأحادیث» داده است، مجموعاً از حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کتب روایی اهل سنت ۱۸ روایت نقل شده است!!

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که از ابتدای طفولیت با رسول گرامی اسلام بوده است. بنا به نقل آقایان اهل سنت زمانی که حضرت فاطمه زهرا ازدواج کردند، ۱۶ یا ۱۷ ساله بوده است و در ۲۶ سالگی از دنیا رفته است.

ما بر مبنای خود آقایان اهل سنت قضاوت می‌کنیم و این به معنای این است که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ۲۵ سال با پیغمبر اکرم بوده است. آن بزرگوار در مکه و مدینه با پیغمبر بوده است و طبق نص صریح

روایات آقایان اهل سنت، پیغمبر اکرم هرروز هم صبحانه را در منزل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) میل می‌فرمودند.

از آن بزرگوار که ۲۵ سال با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده‌اند ۱۸ روایت نقل شده است، اما از عایشه که پیغمبر سال دوم هجری با او ازدواج کرده و سال ۱۱ هم از دنیا رفته؛ یعنی ۸ سال با پیغمبر اکرم زندگی کرده است، ۲۲۰۰ روایت نقل شده است!!

پیغمبر اکرم ۹ همسر داشتند؛ از میان ۹ شب تنها یک شب با عایشه بوده است که در مجموع یک سال با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است؛ اما ۲۲۸۰ روایت از عایشه نقل شده است!

چطور شد که از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که طبق روایات شیعه ۱۸ سال و طبق روایات اهل سنت ۲۶ سال رسول گرامی اسلام را درک کرده‌اند، تنها ۱۸ روایت نقل شده است؟!

دوستان توجه داشته باشند که ما یک مرتبه می‌خواهیم بر فراز منبر یا در شبکه‌های ماهواره‌ای، توهین و اهانت کنیم که این نتیجه معکوس خواهد داشت؛ من در عمرم که چندین بار با آیت الله العظمی سیستانی دیدار داشتم، ندیدم ایشان نسبت به کسی تعبیر زشتی به کار ببرند.

اما دو هفته قبل از محرم که خدمت ایشان بودم، دو یا سه مرتبه «اللهیاری» و «یاسر الحبیب» را به نام خطاب کردند و گفتند: این احمق فتنه ایجاد می‌کند!

نمی‌دانم فیلم «اسپایکر» را مشاهده کردید یا نه؛ داعش در یک روز ۱۷۰۰ نفر از شیعیان را در موصل در دانشکده افسری قتل عام کردند. این افراد را کنار استخری می‌آوردند و تیر خلاصی می‌زنند و می‌گویند: "هذا انتقام عایشة فی النار!" این انتقام فحشی است که «یاسر الحبیب» به عایشه داده است.

ما یک مرتبه می‌خواهیم با این افراد مخالف خودمان به این صورت برخورد کنیم یعنی فحش بدهیم و اهانت بکنیم. که قطعاً درست نیست، اما یک مرتبه ما می‌گوییم: سنت الصحابه را کامل قبول کردیم.

سنت الصحابه را در ردیف سنت النبی قرار دادیم؛ حال شما بفرمایید که از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) چقدر روایت آوردید؟! شما ببینید که از امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) در «صحیح بخاری» حتی یک روایت هم نقل نشده است!!

آن بزرگواران هم صحابه پیغمبر اکرم بودند. شاید بعضی از افراد بگویند: "این بزرگواران کوچک بودند و روایتی از پیغمبر اکرم نشنیدند؛" حال آنکه این حرف خلاف است.

ما روایاتی داریم مبنی بر اینکه امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) به مسجد می‌رفتند و پای صحبت رسول گرامی اسلام می‌نشستند و زمانی که به منزل برمی‌گشتند، تمام روایاتی که از نبی گرامی اسلام شنیده بودند را برای حضرت زهرا نقل می‌کردند.

بر فرض این حرف را هم کنار بگذاریم. «عبدالله بن زبیر» از نظر سنی با امام حسن (علیه السلام) ۵ ماه فاصله دارد. شما مشاهده کنید که چقدر از «عبدالله بن زبیر» روایت از قول پیغمبر اکرم بیان شده است و مشاهده کنید چقدر از امام حسن و امام حسین روایت وارد شده است!!

ما با هم دعوا که نداریم، بلکه یک بحث علمی و منطقی هست. بنابراین این آقایان زمانی که می‌آیند و سنت الصحابه و سنت النبی را کنار هم می‌گذارند، ما در همین جا می‌گوییم: این سنت الصحابه‌ای که شما اعلام می‌فرمایید، آیا به سنت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) هم عمل کرده اید یا نه؟!

«ابن تیمیه» که به صراحت می‌گوید: اصلاً بزرگان و تابعین و اتباع تابعین حتی در یک مورد هم به روایت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) عمل نکردند؛ بلکه برعکس می‌گویند: اکثر صحابه دشمن علی بن ابی طالب بودند، او را سب می‌کردند و بغض او را داشتند!!

سؤال: در کتب ما چقدر از حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) روایت نقل شده است؟!

پاسخ: اخیراً انتشارات «دلیل ما» کتابی به نام «موسوعة فاطمة الزهراء» در ۲۵ جلد چاپ کرده است که هر جلد آن هم ۶۰۰ یا ۷۰۰ صفحه دارد. این کتاب الآن در کتابخانه منزل موجود است و زمانی که من نام حضرت فاطمه زهرا را می‌بینم، لذت می‌برم.

بیست و پنج جلد کتاب در مورد حیات فاطمه زهرا (سلام الله علیها)، روایات آن بزرگوار و تمام آنچه که مربوط به آن بزرگوار است در این مجلدات مطرح شده است.

سؤال: از «عبدالله بن زبیر» چقدر روایت نقل شده است؟!

پاسخ: حدود ۵۰۰ روایت نقل شده است.

سؤال: آیا جریان حذف روایات و منع نوشتن حدیث در صدر اسلام؛ باعث نشد که از امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) روایاتی باقی نماند؟!

پاسخ: زمانی که معاویه - که ۱۸ سال با پیغمبر اکرم جنگیده است - روی کار آمد، چنین اتفاقی افتاد. بنی امیه ۱۳ سال در مکه و ۵ سال در مدینه با پیغمبر اکرم جنگیدند و در سال هشتم هجری در جریان فتح مکه مسلمان شدند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نامه شانزدهم نهج البلاغه قسم شدید و غلیظ می‌خورند و می‌فرمایند:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ»

قسم به خداوند آفریننده هستی و شکافنده حبه معاویه و دیگران مسلمان نشدند، بلکه تظاهر به اسلام کردند و کفر خود را مخفی کردند.

نهج البلاغة، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴، خ ۱۶

اهل سنت هم همانند این عبارت را دارند که در کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» جلد اول صفحه ۱۱۳ نقل شده است. «عمار» می‌گوید: معاویه و افراد او مسلمان نشدند، بلکه تظاهر به اسلام کردند و کفر خود را مخفی کردند!

این افراد زمانی که روی کار آمدند، شروع به مبارزه با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کردند. از سال ۴۱ یا ۴۲ هجری که با امام حسن (علیه السلام) صلح کردند، سب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را در منابع بدعت‌گذاری کردند.

این عبارت در کتاب «صحیح مسلم» موجود است که معاویه به صراحت خطاب به «سعد بن ابی وقاص» می‌گوید: چرا به علی بن ابی طالب فحش نمی‌دهی و ناسزا نمی‌دهی؟! انگار او گناه کبیره‌ای مرتکب شده است که این‌طور مورد عتاب و خطاب معاویه قرار می‌گیرد!

و یا به تعبیر «زمخشری» در طول ۸۰ سال بالای ۷۰ هزار منبر به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ناسزا می‌گفتند. مگر می‌شود بالای منابع در تمام کشور اسلامی به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ناسزا بگویند و از طرف دیگر مردم از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایت نقل کنند و به روایت آن بزرگوار عمل کنند و یا از امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) روایت نقل کنند؟!!

معاویه در قنوت خود امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، امام حسن؛ امام حسین (علیهم السلام)، «مالک اشتر» و «ابن عباس» را لعنت می‌کرد. تصویر تمام این روایات موجود است که الآن نمی‌خواهم آن را بیان کنم.

دوستان توجه داشته باشند که ما دعوا نداریم. ما می گوئیم که باید حقیقت روشن شود. یک مرتبه ما می خواهیم جنگ کنیم و مردم را بر علیه اهل سنت بسیج کنیم، این کاری نادرست است؛ اما یک مرتبه به تعبیر مقام معظم رهبری می خواهیم بصیرت افزایی کنیم. این که مشکلی ندارد!

ما می گوئیم: شما که سنت صحابه را قبول دارید، بفرمایید که آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم جزو صحابی بودند یا نبودند؟! اینکه پیغمبر اکرم فرمود:

«من سب أصحابي فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دارالنشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ -

۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۱، ص ۵۲

آیا این روایت را در مورد معاویه هم قائل هستید یا نه؟! به ما بگویید. این تعبیر «ابن تیمیه» است که باید آدرس این روایت را حفظ کنید، زیرا در خیلی از مواقع به دردتان می خورد. در جلد هفتم صفحه ۱۳۷ این کتاب وارد شده است:

«فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ كَانُوا يَبْغُضُونَهُ وَيَسُبُّونَهُ وَيَقَاتِلُونَهُ»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض امیرالمؤمنین را در دل داشتند، آن ها سب علی می کردند و با او می جنگیدند.

منهاج السنة النبوية؛ المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم ابن تیمیة الحرانی الحنبلی الدمشقی (المتوفی: ۷۲۸ هـ)، المحقق: محمد رشاد سالم، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، الطبعة: الأولى،

۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ج ۷، ص ۱۳۷

ما از عزیزان اهل سنت می‌پرسیم شما که سنت صحابه را قبول دارید، بفرمائید که این کلام «كَثِيرًا مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ كَانُوا يَبْغُضُونَهُ» چه معنایی دارد و چه جوابی برای این سخن دارید؟! آیا شما حاضرید سب علی کنید و بغض آن بزرگوار را در دل داشته باشید؟!

آیا این حرف را قبول دارید یا فرمایش رسول گرامی اسلام را که فرمودند: "هرکسی علی را سب کند مرا سب کرده است و هرکسی مرا سب کند خدا را سب کرده است"؛ را قبول دارید؟!

این مباحث به جهت روشننگری است! شاید اگر با سران اهل سنت بحث کنیم، این افراد لجاجت کنند؛ اما امروز جوانان اهل سنت دنبال تحقیق و جستجوی حقیقت هستند.

همین دیروز یکی از دوستان از منطقه زاهدان آمده بود و برای ما مطالبی را نقل می‌کرد. من از او که شیعه شده و از عوام هم هست و در روستا زندگی می‌کند، پرسیدم: "چرا شیعه شدی؟!" او گفت:

"من داشتم یکی از شبکه‌های وهابی به نام «شبکه کلمه» را مشاهده می‌کردم. یکی از بچه شیعه‌ها به نام آقای شریفی داشت با کارشناس وهابی در مورد بحث مهدویت مناظره می‌کرد. ایشان ادله‌ای از کتب ما بر حقانیت شیعه آورد و این کارشناس وهابی نتوانست جواب بدهد. من یقین پیدا کردم که مذهب شیعه برحق است."

"زمانی که آن کارشناس و عالم برجسته که فارغ التحصیل دانشگاه ریاض است، نمی‌تواند جواب او را بدهد قطعاً علمای خود ما که در اینجا هستند هم نمی‌توانند جواب او را بدهند."

بنده خودم قبل از محرم با تعدادی از دوستان واقع در جنوب فارس صحبت تلفنی داشتیم. ایشان گفت: ۲۰۰ نفر در فلان منطقه دو هفته قبل تشیع خود را اعلام کردند.

ما نمی‌گوییم بحث ما این است که اهل سنت را به مذهب شیعه بکشانیم، بلکه بحث ما بصیرت افزایی است!

اٹمہ طاہرین (علیہم السلام) ہم سفارش کردہ اند کہ با دیگران بحث کنید؛ حتی امام صادق (علیہ السلام) می فرمایند: اگر این افراد در بحث قانع نشدند، برای اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علی (علیہ السلام) با این افراد مباحثه کنید!

در این زمینه نباید فحش، توهین و اهانت به کار ببرید. ما به همه احترام می گذاریم؛ ما به کسی فحش نمی دهیم، توهین نمی کنیم و فحش و توهین را هم از کبائر می دانیم.

بحث بصیرت افزایی باید باشد. در کره زمین شخصی به اندازه مقام معظم رهبری دغدغه وحدت ندارند. ایشان گفتند: "اگر کسی به نمادها و مقدسات اهل سنت توهین کند، من خودم شخصاً با او برخورد می کنم!"

شما به صحبت های ایشان در روز عید غدیر امسال مراجعه کنید و ببینید بحث ایشان چه بوده است! ایشان به صراحت می گوید: "مذهب شیعه مذهب حق است، ما در قرآن کریم و سنت قطعی، دلایلی قاطع و محکم بر حقانیت مذهب شیعه داریم."

در غدیر یکی دو سال پیش فرمودند: "من توصیه می کنم اهل سنت کتاب «علامه امینی» و کتب «مرحوم شرف الدین» را مطالعه کنند." لذا بحث های علمی باید باشد؛ اما عرض کردیم بحث علمی از فحش و ناسزا جداست!

جایگاه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در میان صحابه پیغمبر اکرم!

شما مشاهده می کنید که علمای اهل سنت از طرفی می گویند «كثيْرًا مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِيْنَ كَانُوْا يَبْغِضُوْنَهُ» و از طرف دیگر در کتاب «مسند» اثر «احمد بن حنبل» جلد ۴۴ با تحقیق «شعیب ارنؤوط» از وهابیت شاخدار و دلباخته «ابن تیمیه» است. روایت از «أم سلمه» از قول رسول الله هست که می گوید:

«مَنْ سَبَّ عَلِيًّا، فَقَدْ سَبَّنِي»

هرکسی علی را سب کند، مرا سب کرده است.

در پاورقی هم آورده است:

«إسناده صحيح... ورجال الإسناد ثقات رجال الشيخين... وأخرجه الحاكم ١٢١/٣ من طريق يحيى بن

أبي بكير، بهذا الإسناد. وقال: صحيح الإسناد، ووافقه الذهبي»

مسند الإمام أحمد بن حنبل؛ المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل (المتوفى: ٢٤١هـ)؛ المحقق: شعيب

الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون؛ إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي؛ الناشر: مؤسسة الرسالة؛ الطبعة:

الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م؛ ج ٤٤، ص ٣٢٩، ح ٢٤٧٤٨

الآن با وجود همین روایت، سنت الصحابه با سنت النبی در تعارض است! ای جوان سنی و ای جوان وهابی که فریب شیاطین را خورده‌اید! ما از شما سؤالی دوستانه داریم، اصلاً ما سؤال نمی‌کنیم. اگر یک جوان سنی و یک بچه از شما سؤال کند که از طرفی «ابن تیمیه» می‌گوید: «كثيْرًا مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ كَانُوا يَبْغُضُونَهُ» و از طرف دیگر روایتی با سند صحیح از پیغمبر اکرم وجود دارد که می‌فرمایند: «من سب عليا فقد سبني»!! این روایت سنت النبی هست یا نیست!؟

جالب این است که «ابن تیمیه» می‌گوید: اگر روایت صحیحی از پیغمبر اکرم به کسی برسد و انکار کند، کافر است!! و این خیلی جالب است.

ما یک مرتبه در مورد حدیث متواتر می‌گوییم: «من أنكر المتواتر فقد كفر»؛ آن بحشش جداست؛ ولی این آقا می‌گوید: اگر روایتی از پیغمبر اکرم به کسی برسد و او آن را انکار کند، کافر است!!

«ابن تیمیه» یک مرتبه می‌گوید:

«مَنْ أَنْكَرَ مَا ثَبَتَ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ»

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي، ج ۱، ص ۱۰۹

اما در کتاب «مجموعه الرسائل» خودش می گوید:

«من بلغته دعوة النبي صلى الله عليه وسلم فلم يؤمن فهو كافر لا يقبل منه الاعتذار بالاجتهاد لظهور أدلة الرسالة وأعلام النبوة»

اگر سخن پیغمبر اکرم به کسی برسد و او آن را انکار کند، کافر است. اگر اجتهاد کند هم اجتهاد از او قبول نیست.

مجموعه الرسائل والمسائل لابن تیمیة، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفى: ۷۲۸ هـ)، علق عليه: السيد محمد رشيد رضا، الناشر: لجنة التراث العربي، ج ۳، ص ۱۵

این روایت فکر جوان سنی و وهابی را خراب می کند. ما می گوئیم: چرا «طلحه» و «زبیر» با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جنگیدند؟! او می گوید: اجتهاد کردند!! می پرسیم که آیا اجتهاد از قرآن کردند یا اجتهاد از سنت النبوی؟! از کدام آیه اجتهاد کردند که باید با امیرالمؤمنین بجنگند؟!

اگر ادعا می کنید که از سنت النبوی اجتهاد کردند، ما خلاف آن را داریم. ما شاید حدود ۳۰ روایت داریم که رسول اکرم امر به قتال ناکثین و قاسطین و مارقین داده است!

ما می پرسیم: چرا معاویه جنگید؟! آن ها می گویند: اجتهاد کرده است!! می پرسیم مگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نفرمودند:

«عَلَى مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٣٤، ح ٤٦٢٨

معاويه از چه چیزی اجتهاد کرده است که با اميرالمؤمنين علی (عليه السلام) جنگیده است؟! «طلحه» و «زبير»
از چه چیزی اجتهاد کرده است؟!

این عبارت «عَلَى مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ» سنت پیغمبر اکرم است. «ابن تیمیه» هم می‌گوید: اگر سنت پیغمبر اکرم به کسی برسد و او ایمان نیاورد، کافر است و اجتهاد او هم پذیرفته نیست!

حال ما سؤال می‌پرسیم: «ابن تیمیه» که می‌گوید: «كثيْرًا مِنَ الصَّحَابَةِ وَالتَّابِعِينَ كَانُوا يَبْغُضُوْنَهُ» آیا این افراد اجتهاد کردند که به اینجا رسیدند تا بغض علی را داشته باشند، یا نه از روی عداوت بوده است؟! همچنین در کتاب «صحيح مسلم» هم این روایت وارد شده است که می‌گوید:

«لَا يَجْتَنِي إِلَّا الْمُؤْمِنُ وَلَا يَبْغُضُنِي إِلَّا مُتَأَفِّقٌ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨٦، ح ٧٨

بنابراین نتیجه می‌گیریم که این آقایان در بحثی که ما شروع کردیم، در رابطه با تقیه می‌گویند: سنت الصحابه بر تقیه بوده است که سنت الصحابه را هم در کنار سنت النبی آورده‌اند. و مهم‌تر از آن اینکه این افراد سنت تابعین را هم به آن اضافه کردند.

به این مطلب هم توجه کنید که «ابن قدامه مقدسی» از فقهای به نام «حنابله» است. ما دیروز هم گفتیم که کتاب «المغنی» ایشان همانند کتاب «جواهر» ماست. این کتاب حدود ۲۸ جلد است با چاپ‌های قدیمی که اگر همانند جواهر بخواهد چاپ شود، شاید بالای ۸۰ جلد شود. ایشان می‌گویند:

«مراسیل اصحاب النبی مقبولة عند الجمهور»

یعنی حتی اگر صحابه از پیغمبر اکرم هم روایت نقل نکنند و از خودشان نظر بدهند و سند آن را هم ذکر نکنند و «سمعت عن النبی» نگویند، مراسلات صحابه هم برای ما حجت است.

در کتاب «روضه الناظر» نقل کرده است که:

«مراسیل اصحاب النبی مقبولة عند الجمهور»

روضه الناظر وجنة المناظر، اسم المؤلف: عبد الله بن أحمد بن قدامة المقدسی أبو محمد، دار النشر: جامعة الإمام محمد بن سعود - الرياض - ۱۳۹۹، الطبعة: الثانية، تحقيق: د. عبد العزيز عبد الرحمن السعيد، ج ۱، ص ۱۲۵، باب مراسیل الصحابة

«ابن صلاح» نیز در کتاب «علوم الحديث» به صراحت می‌گوید: ما مراسیل صحابه را حجت می‌دانیم. حتی افرادی همانند «ابن عباس» که موقع رحلت پیغمبر اکرم صغیرالسن بودند هم برای ما حجت است. اگر یک صحابه را هم نمی‌شناسیم، به مراسلات او ضرر نمی‌زند. زیرا:

«لِأَنَّ الصَّحَابَةَ كُلَّهُمْ عُدُولٌ»

معرفة أنواع علوم الحديث، المؤلف: عثمان بن عبد الرحمن، أبو عمرو، تقى الدين المعروف بابن الصلاح (المتوفى: ۶۴۳ هـ)، المحقق: نور الدين عتر، الناشر: دار الفكر - سوريا، دار الفكر المعاصر - بيروت، سنة النشر: ۱۴۰۶، ص

مصیبت ما اینجاست که می‌گوید: «الصَّخَابَةُ كُلُّهُمْ عُدُولٌ»، اما زمانی که به امیرالمؤمنین می‌رسیم، می‌گویند: نه؛ علی استحقاق سب و قتال داشته است!!

همچنین «علامه امینی» در کتاب «الغدیر» تعبیری دارند که خیلی تعبیر جانسوزی است. او می‌گوید: فرض می‌گیریم که علی بن ابی طالب داماد پیغمبر اکرم نبود، فاتح تمام جنگ‌ها نبود، اولین مسلمان هم نبود؛ صحابی هم نبود، آیا مسلمان بود یا نبود؟!

در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» وارد شده است:

«سَبَابِ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»

فحش دادن مسلمان فسق است. و اگر کسی به جنگ مسلمانی برود کافر است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨١، ح ٢٨

آیا شما حاضرید به فسق کسانی که به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فحش دادند، شهادت بدهید و به روایات آنان عمل نکنید؟!

نکته آخری که باید خدمت دوستان مطرح کنیم این است که برنامه امسال ما به این صورت است که عزیزانی که مرتب می‌آیند، ما هر ماه یک خودآزمایی خواهیم داشت. ما در سال گذشته از همین دوستان خودمان ۴ نفر در «شبکه جهانی ولایت» و «مؤسسه حضرت ولی عصر» در حوزه پاسخگویی به شبهات مشغول شدند که نتیجه همین بحث‌های سر کلاس است.

ما در روزهای چهارشنبه کارگاه داریم؛ البته کارگاه برای دوستانی که در سال گذشته بودند، جداست. کسانی که امسال وارد بحث‌های ما می‌شوند، ما در روزهای چهارشنبه کارگاهی داریم که اصلاً روش پاسخگویی به شبهات، مناظره و مبادی و مقدمات را بیان می‌کنیم.

ما خیلی زیاد دنبال سیاهی لشکر نیستیم. به تعبیر آیت الله العظمی گلپایگانی که گفته بودند: "نصاب درس ما یک نفر است!" یک نفر هم باشد و این یک نفر فردا بیاید در حوزه دفاع از اهل بیت و پاسخگویی به شبهات یا در حوزه مناظره فعالیت کند، در فضای مجازی یا سایبری بتواند از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) دفاع کند برای ما کافی است.

این روش بهتر از زمانی است که ده هزار طلبه سر کلاس درس حاضر شود و آخر سال هم ندانیم که این افراد از مباحث استفاده کردند یا نه!!

تمام مباحث ما از طریق دوستان پیاده می‌شود و در کمتر از ۲۴ ساعت روی سایت گذاشته می‌شود. اگر دوستان فردا به سایت مراجعه کنند، در بخش «خارج فقه مقارن» مباحث امروز ما موجود است. الان هم جزوه دادن از مد رفته است، در حال حاضر همه کامپیوتر دارند و راحت می‌توانند فایل را از اینترنت بگیرند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته